

گزارش

همینار درباره مسائل اجتماعی شهر تهران

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات یک مؤسسه فعال و نوینی است که چهار سال قبل بوجود آمد. منظور از ایجاد این مؤسسه ترویج و توسعه علوم و مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران و شناساندن کیفیت امور و مسائل اجتماعی در کشور و توأم نمودن جهات نظری علوم اجتماعی با بررسیهای عملی است.

این مؤسسه مرکز مدارک و اسناد و تحقیقات اجتماعی و راهنمائیهای علمی در مسائل مربوط به تعاون و رفاه اجتماعی با توجه خاص بمسائل تحول سریع اجتماع است و برای حصول بمنظور سه نوع فعالیت آموزشی «تحقیقی و تألیف و ترجمه و رایزنی» دارد. فعالیت تحقیقی مؤسسه در رشته‌های مختلف اجتماعی بسط یافته و گروههای تحقیقی آن مسائل مختلف امور اجتماعی را مورد تحقیق و بررسی قرار میدهند و تا بحال تحقیقات مختلفی بعمل آمده که هر کدام به نوبه خود درخور توجه بوده است.

یکی از این گروهها گروه تحقیقات شهری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی است که مسائل شهر تهران را مورد مطالعه قرار داده و برای تحقیق بیشتر درباره مشکلات و موانع اجتماعی شهر تهران تشکیل سمیناری را ضروری دانست و محققان این گروه پس از چند ماه مطالعه برنامه سمینار را ترتیب دادند.

اولین جلسه سمینار در ساعت ۳ بعد از ظهر روز شنبه اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات تشکیل گردید. در این جلسه آقایان رؤسا، مدیران کل سازمانهای دولتی، جناب آقای رئیس دانشگاه و آقایان اساتید، و سایر شرکت کنندگان در سمینار حضور داشتند. تالار دانشکده ادبیات بطرز خاصی زینت یافته بود. در وسط سالن میزی بشکل T قرار داده شده بود که مخصوص شرکت کنندگان در سمینار بود.

ابتدا جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات پشت تریبون قرار گرفتند و بیاناتی ایراد کردند که متن آن در ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرد.

سخنرانی جناب آقای دکتر سیاسی

برای من مایه کمال مسرت و افتخار است که میتوانم این جلسات فحص و بحث را که برای اولین دفعه درباره مسائل اجتماعی شهر تهران تشکیل میشود افتتاح کنم. روزی که «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» دانشکده ادبیات ب فکر تشکیل این جلسات مذاکره و تبادل نظر یا باصطلاح فرنگیان سمینار یا سمینار افتاد تصور نعیرفت که موضوع تا



جناب آقای دکتر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات و رئیس کمیته مسائل اجتماعی شهر تهران
هنگام سخنرانی در اولین جلسه کمیته

این اندازه مورد توجه و حسن استقبال واقع شود وعده کثیری از شخصیت های مطلع و ذیصلاحیت برای عرضه داشتن نظریات خود و شرکت در مذاکرات داوطلبی خود را اعلام دارند. این حسن استقبال میرساند که آقایان برای مسائل اجتماعی اهمیت قائلند و میل دارند برای حل مشکلات راه‌هایی بیابند.

در اینجا شاید این سؤال پیش آید که چرا دانشگاه و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی مباشر تشکیل این سمینار شده است. در توضیح این مطلب باید این نکته خاطر نشان شود که دانشگاه دارای دو وظیفه مهم است: یکی اشاعه و ترویج علم و دیگری در پیش بردن و ترقی دادن علم. وظیفه نخست بوسیله تدریس و تعلیم نظری و عملی صورت می‌گیرد و وظیفه دوم بوسیله بررسی و تحقیق در آزمایشگاهها و مؤسسات مخصوص انجام می‌پذیرد. یکی از این مؤسسات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی است. این مؤسسه هر چند جوان است و بیش از چهار بهار از عمرش نمیگذرد ولی تا کنون به پیشرفتهائی نائل آمده و چندین سمینار تشکیل داده است که نخستین آنها در همان سال اول تأسیس با همکاری یونسکو برپا گردید و در آن علاوه بر دانشمندان ایرانی چندتن از اجمله علمای جامعه شناسی خارجی نیز شرکت داشتند.

برای اینکه ضرورت تشکیل اینگونه مجالس مذاکره و بحث معلوم شود باید در نظر داشت که امروز روش تحقیق در علوم اخلاقی و اجتماعی کاملاً شبیه است به روش معمول در علوم طبیعی، یعنی بر مبنای مشاهده و تجربه و مطالعه امور واقعی و حقایق خارجی قرار دارد. آقایان میدانند که این روش علمی تحقیق فقط یکی دو قرن است که معمول گردیده است. قبل از آن دانشمندان اجتماعات و مؤسسات آنها را چنانکه واقعاً بودند مورد مطالعه قرار نمیدادند، بلکه چنانکه سیخو استند باشد توصیف و تعریف میکردند. کتاب «سیاست افلاطون و نوشته‌های اجتماعی هابز^۱ و ژان ژاک روسو^۲ نمونه اینگونه تحقیقات هستند، یعنی انباشته هستند از آراء فلسفی و اخلاقی، و جنبه علمی ندارند.

نخستین کسی که در تحقیقات اجتماعی روش مشاهده و تجربه و استقراء بکار برد در سده هیجدهم منسکیو^۳ بود. این حکیم در کتاب «روح القوانین^۴» خود کوشید نشان دهد چگونه قوانین و اصولی که در هر جامعه برقرار است متناسب با مقتضیات محیط مربوط و با وضع حکومت و آداب و رسوم و آب و هوا و معتقدات دینی و اوضاع اقتصادی همان جماعت است. این روش علمی تحقیق در سده نوزدهم توسط «انگوست کنت^۵» که او را باید واضح جامعه شناسی دانست و پس از او توسط دورکیم^۶ و جامعه شناسان نامی دیگر تأیید و تکمیل گردید و راه را برای توسعه این علم و علوم وابسته بدان باز کرد و در دانشگاهها ایجاد درجه دکتری در علوم اجتماعی را ایجاد نمود.

Montesquieu. - ۳

J.J. Rousseau. - ۲

Hobbes. - ۱

Durkheim. - ۶

Auguste Comte, - ۵ Esprit des Lois. - ۴

من نمیخواهم در اینجا بتوضیح روش تحقیق در علوم اجتماعی و وسائل گوناگونی که بکار میرود و استفاده شایانی که از تاریخ و آمار میشود پردازم، بلکه مرادم از ایراد این مقدمه یاد آوری این نکته است که امروز دیگر اظهار نظر در باره امور مربوط بزندگی مادی و معنوی آدمیان و اجتماعات ایشان و مؤسساتی که دارند، یا باید داشته باشند، نمیتواند متکی بر مضمونات و مخیلات و حدسیات و نظائر آنها باشد و بطور قبلی بصورت قیاسهای منطقی و احکام کلی بیان شود، بلکه باید مبتنی بر مقدماتی باشد که از مطالعه وقایع تاریخی و مشاهده و تجربه امور واقعی بدست می آید و توسط علم آمار با جدولها و منحنی هانشان داده میشوند و سرانجام پس از استقراء کافی بصورت قواعد و اصول کلی و نظریات علمی در می آیند.

بنابراین ما برای اینکه بتوانیم در باره مسائل اجتماعی شهر تهران اظهار نظر کنیم باید مقدمه امور مربوط باین مسائل را چنانکه واقعاً هستند بشناسیم. البته هر کس در هر اجتماعی که هست خیال میکند آن اجتماع و مسائل آنرا می شناسد، در صورتیکه علم او در این باب غالباً بسیار مبهم و ناقص است. من وقتی در سر بن مشغول تحصیل بودم تصور میکردم با آن مؤسسه آشنائی کامل دارم. بعدها متوجه اشتباه خود شدم و فهمیدم که اطلاع از سازمان آن دستگاه علمی و مؤسسات مختلف و متعدد آن مستلزم بررسی و مطالعه مخصوص است.

نمونه دیگر اظهار نظرهای غلط که بر مقدمات ناصحیح تکیه دارند این است که تا چند سال پیش روشهای تعلیم و تربیت کشور فرانسه را بعضی از آقایان که ذکر نام شریفشان ضرورت ندارد سخت مورد انتقاد قرار میدادند و آنها را نظری صرف^۳ و بسیار دور از عمل و بیفایده میخواندند، در صورتیکه این نظر مبالغه آمیز بود و آقایان فقط متوجه بر نامه های فرهنگی فرانسه قبل از جنگ جهانی اول بودند و از تغییرات عمیقی که از آن پس بر آن بر نامه ها داده شده بود و داده میشد اطلاعی نداشتند.

باری هر کس که در تهران زندگی میکند چنین می پندارد که از مسائل این شهر، مانند وضع آب، برق، تلفن، ساختمانها، خدمات عمومی و اجتماعی و جز آن آگاهی دارد و احیاناً بخود اجازه میدهد در باره آنها اظهار نظر کند، غافل از اینکه هر یک از این مسائل محتاج بررسی و مطالعه مخصوص است و این مطالعه و بررسی بخصوص در باره شهر تهران باید مستمر و دائم باشد، زیرا در اینجا همه چیز بسرعت عجیبی دستخوش تغییر و تحول است و صورت مسأله از آنچه بیست یا حتی ده سال یا پنجاه سال پیش بود بکلی عوض میشود. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با علم باین حقیقت متوجه این نکته دیگر نیز بود که اطلاعات و معلومات کلی که در باره این مسائل شهری در جاهای دیگر دنیا بدست

آمده و در کتب و رسائل و مجلات بتفصیل بیان گردیده ممکن است قابل تطبیق با اوضاع واحوال خود ما و شهر ما نباشد و چنانچه عیناً بدان دانشجویان ایرانی تعلیم شود شاید با آنچه عملاً در محیط زندگی خود مشاهده میکنند مطابق در نیاید.

توجه باین حقایق مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی را بر آن داشت که یکی از دوراه را انتخاب کند: یا خود بمطالعه و بررسی این مسائل پردازد و توصیف و تعریف آنها را بعهدہ بگیرد یا اینکه در این باره اطلاعات و تجارب دیگران را مورد استفاده قرار دهد. باری تحقیق و بررسی درباره مسائل اجتماعی شهر بزرگی چون شهر تهران از طرف مؤسسه و جمع آوری اطلاعات و مقدماتی که روی آنها بتوان استدلال و اظهار نظر کرد مستلزم داشتن آزمایشگاههای مجهز و وسائل کافی و هزینه گزاف بود؛ بعلاوه زمان دراز، شاید چندین سال وقت لازم داشت و این امر با محدود بودن دوران تحصیل دانشجویان و کمی وسائل، عملی بنظر نمیرسید. این بود که راه دوم انتخاب شد، یعنی مؤسسه در صد تشکیل این سینار برآمد تا برفع مشکل پردازد و اظهار نظر درباره مسائل اجتماعی شهر تهران را از کسانی بخواهد که بواسطه شغل یا مقام خود با این مسائل مستقیماً مواجه هستند یا در باره آنها شخصاً بتحقیق و مطالعه پرداخته اطلاعات و تجاربی حاصل کرده اند. باز تکرار میکنم، و از این تکرار معذرت میخوانم، که جامعه شناس نمیتواند درباره مسائل اجتماعی نظری بدهد و به اصول کلی برسد مگر اینکه قبلاً از موارد جزئی و امور واقعی اطلاع دقیق و کافی بدست بیاورد، و چون غالباً مجال یا امکان کسب اطلاعات را بطور مستقیم ندارد باید دست نیاز بسوی کسانی دراز کند که عملاً در اجتماع متصدی امور مربوط هستند و با مسائل مورد نظر تماس مستقیم دارند. پس جامعه شناس محتاج بهمکاری متصدی امور اجتماع است. اما در عین حال متصدی امور اجتماع هم بهمکاری جامعه شناس احتیاج دارد، زیرا این جامعه شناس است که میتواند بنظر وسیعتر بموارد جزئی بنگرد و امور معین را در دورنمای بزرگتری قرار دهد و آنچه را که از گذشته جامعه ریشه گرفته است معلوم بدارد، و آنچه را که مقدمه آینده است نشان بدهد؛ بالجمله اوست که میتواند به تعبیر و تفسیر مسائل پردازد و از مقدمات جزئی خود را به نتایج کلی برساند و متصدی امور اجتماع را راهنما باشد و امکانات جدیدی را که میتواند در عمل مورد استفاده قرار داد با او بنماید. باری جامعه شناس و متصدی امور اجتماع محتاج یکدیگرند و همکاری آنها ضروری است و بنفع هر دوی آنهاست.

ملاحظه اسامی شخصیت‌هایی که در این سینار شرکت میفرمایند نوید میدهد که این همکاری بوجه احسن صورت خواهد گرفت و از مطالعات و مذاکراتی که خواهند فرمود نتایج مهم بدست خواهد آمد، بخصوص که اکثر آقایان محترم هم با مسائل اجتماعی شهر تهران آشنائی دارند و هم در علوم اجتماعی صاحب اطلاع هستند، یعنی علم و عمل را توأم کرده اند.

پس جا دارد که بتوفیق کامل این سمینار امیدوار باشیم. بهر حال آرزوی قلبی من همراه این امیدواری است.

در پایان لازم میدانم از همکاران گرامی و محترم خود جناب آقای دکتر صدیقی رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و آقای دکتر نراقی مدیر مؤسسه و سایر استادان و کارکنان مؤسسه که در تهیه مقدمات این سمینار صرف وقت و بذل عمت کرده اند قدردانی و سپاسگزاری کند.

پس از نطق آقای دکتر سیاسی رئیس دانشکده ادبیات، آقای دکتر احسان نراقی مدیر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی پس از مقدمه‌ای اظهار داشتند: بر اثر برخورد تمدن ایران با تمدن غربی میتوان گفت که تهران مانند بندری شده که در آن هجوم جمعیت مسایلی مانند تصادم افکار و عقاید قدیم و جدید و سایر مسائل مشابه به آنرا بوجود میآورد، مثلاً تهران در سال ۱۳۰۶ دارای ۲۳۰۰۰ نفر جمعیت بوده در حالیکه امروز قریب دو میلیون نفر جمعیت دارد باین معنی که به جمعیت تهران در هر سال صد هزار نفر اضافه شده است.

البته از این مقدار اضافی سالی ۶ هزار نفر امری طبیعی است ولی بقیه ۶ هزار نفر بر اثر مهاجرت از سایر شهرستانها و روستاها به تهران بوده است لذا مسأله مسکن با توجه به این ازدیاد باید مورد توجه و اهمیت فراوان قرار بگیرد، بهمین جهت روی مسأله مسکن بورس بازان و سفته بازان معاملاتی صورت دادند که باور کردنی نیست. در سال ۱۳۳۹ در تهران هزار بنگاه معاملات ملکی وجود داشته است و حدود ۱۳۳۰ هکتار زمین در تهران وجود دارد که بجای آن ۲ هزار هکتار زمین مورد معامله قرار گرفته یعنی دو برابر زمین موجود در تهران. مقدار معاملات انجام شده روی زمین در سال ۳۰۰۰ معادل ۲۰۰ کل اسکناس در جریان بوده است.

از ۵۸۰ هزار جمعیت فعال تهران، ۱۲۰ هزار کارمند اداره هستند و این خود دلیل بارزی است که پرداخت حقوق ماهیانه چه فعلیتی در بازار ایجاد مینماید. ضمناً در سال ۳۹ مردم تهران قریب دو میلیارد تومان مواد غذایی خریده اند و دستگاههایی که این مواد را تهیه و اداره نماید بسیار سهم و حائز اهمیت است.

پس از نطق آقای دکتر نراقی طبق برنامه‌ای که قبلاً تهیه شده بود، سخنرانان و محققان درباره مسائل مورد نظر مطالب مهم و مفصلی بیان داشتند که در نظر است متن جامع مذاکرات بصورت کتابی جداگانه چاپ شود. در این گزارش بعلمت ضیق صفحات مجله به رؤوس مطالب اشاره میشود:

روز اول سمینار: راجع بشهر سازی و مسائلی که در یک شهر بزرگ با آن روبرو هستیم و در ضمن راجع به تاریخچه ای از تحول شهر تهران در صد سال گذشته صحبت شد. راجع بشهر سازی - مسائل دموگرافی (ولادت - باروری - مرگ و میر - امید زندگی - سن متوسط - ازدواج) - مسائل حقوقی مربوط بامور شهر - قوانین مربوط بزمینهای موات - قانون توسعه معابر ووظایفی که مؤسسات کنونی در شهر سازی تران دارند بحث و تبادل نظر گردید .

درباره قیمت زمین و بورس بازی آن گفته شد یکی از عوامل اصلی، توسعه شهر بدون نقشه میباشد - در باره ترکیب جمعیت شهر تهران عنوان شد که در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۱۲ نفر مرد وجود دارد و بر طبق آمار موجود از دواجهای این شهر سنجر بطلاق میگردد .

روز دوم: راجع بمسائل مربوط بسازمانهایی که خدمات عمومی شهر تهران انجام میدهند مثل (برق-آب - تلفن- اتوبوس رانی) صحبت شد. نمایندگان سازمانها هر کدام راجع بمشکلات موجود سخنرانی کردند: طرحی برای حل مشکل عبور و مرور در خیابانهای شهر تهران پیشنهاد گردید - طرحهای مختلف از قبیل: طرح عمرانی بخش کوچکی از تهران پارس - طرح عمرانی ناحیه قدیمی عودلاجان - طرح عمرانی مرکزی که حوائج نواحی غرب شهر تهرانرا پاسخ گوید ارائه گردید .

درباره برق گفته شد که تهران به ۲۵ هزار کیلووات برق احتیاج دارد و حالا فقط ۶ هزار کیلووات برق دارد و تنها راه تأمین احتیاجات برق استفاده از نیروی سد کرج میباشد - مسأله معماری و استیل ساختمان و بنا که در همه شهرهای دنیا فوق العاده مورد توجه است با حضور اساتید معماری بررسی گردید. پس از بحثهای مفصل روشن شد که تاکنون بدقت درباره مسأله معماری بررسی نشده و به اینیه تهران انتقاد فراوان وارد است .

روز سوم: مطالبی که مطرح گردید عبارت بود از:

تعریف مسکن شهری - انواع مختلف مساکن شهری - تشریح مسأله ای که معماران در ایران با آن مواجه هستند - انواع مسکن و توزیع آنها - انواع مهم معماری در شهر تهران - خصوصیات اساسی آنها - تحولات اجتماعی که مسکن شهری را تحت تاثیر قرار داده اند - تماس مردم با خارج از کشور - رشد و نمو شهر - کوشش برای یافتن نوعی از معماری جدید که با احتیاجات خاص زندگی خانوادهها در تهران مناسبت داشته باشد - کرایه مسکن در تهران - میزان کرایه مسکن نسبت به هزینه کل خانوادهها در تهران

مقایسه میزان کرایه مسکن در تهران و شهرستانها - «مسائل حقوقی» قوانین مالکیت مشترک و حق شفعه - سیاست اعتبارات رهنی - میزان و طرز تقسیم اعتبارات رهنی - تعریف سیاست رهنی که سبب تکمیل سیاست کلمی عمران شهر باشد .

نتیجه ای که از مباحث فوق گرفته شد: درباره انواع مسکن شهری با توجه بمطالعاتی که تا کنون صورت گرفته و عکسبرداریهای هوایی که شده با نوع مسکن از نظر مرفولوژی تشخیص داده شده است. بر طبق آمار موجود در تهران مجموعاً ۳۵۹۶۰۰ مسکن وجود دارد که از این مقدار حدود ۳۴۰۰۰ آن اشغال است.

یکی از سخنرانان گفت: هفتاد درصد اهالی شهر ما از نظر مسکن در وضع بدی بسر میبرند، خانه های گلی در تهران زیاد است و این خانه ها همیشه در معرض خطر هستند، دولت باید توجهی بخانه سازی مبذول دارد. در مورد خانه سازی بحث دیگری مطرح شد که دولت خانه بسازد و با قسط با مردم واگذار کند بهتر است یا اینکه با صرف اعتبارات عمومی در توسعه بهتر سرزمین تجهیز شود؟ یعنی که کلیه وسایل عمومی آن از قبیل اسفالت - برق - آب و پارک و مدرسه و سایر ضروریات مردم در آن تأمین شده باشد عرضه نماید تا خود مردم اقدام ساختمان کنند.

بدون تردید مسئله زمین مسئله اساسی است. یک مسئله دیگر در تهران موضوع اعتبارات است که برای ساختمان باید بوجود بیاید: فرض کنید بهترین لوله کشی را بکنید، بهترین برق را بکشید و تلفن بدهید، اشخاصی که میخواهند برای آنها خانه بسازید تا وسایل اعتباری در اختیارشان نگذارید کار عملی نخواهد بود.

اصل موضوع اینست که بایستی حساب شود که یک شهر دو میلیون نفری سالیانه از نظر اعتبار و از نظر سرمایه گذاری در مسکن چقدر میتواند حق داشته باشد: وقتی که این مسئله حل شد بایستی دنبال مسئله توزیع این اعتبارات برویم.

مسئله اعتبارات این نیست که ما بیست میلیون دلار یا ۲ میلیون تومان برای سرمایه گذاری مسکن اختصاص بدهیم بلکه مسئله اینست که از این مؤسسات اعتباری (بانک رهنی و بانک ساختمانی) استفاده بشود، این اعتباراتی که فراهم شده در اختیار آن اشخاص و آن طبقه ای که میخواهیم در تهران مسکن بسازیم گذاشته شود و گرنه مسئله زمین بتنهائی نمی تواند مسئله مسکن را حل نماید. خلاصه مطالب اینکه برای حل مشکل مسکن در تهران اولاً باید مشکل زمین حل شود، ثانیاً مشکل اعتبارات.

روز چهارم: درباره ناهنجاریها و نابسامانی های زندگی در شهر تهران بحث شد.

در جامعه شهر نشین انحرافات - بزهکاری - امراض - اعتیاد بمواد مخدره - طلاق

فحشاء و مشکلاتی از این نوع رو با افزایش است و مشکل ناسازگاری جوانان یکی از حادثترین مسائل امروزه شده و فکر مصلحان اجتماعی و جامعه شناسان را بخود معطوف داشته است. در باره رشد سریع شهرنشینی و دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بقول یکی از سخنرانان در این شهر قارچ صفت روی داده مطلب تازه ای عنوان شد که تهران از یک اقتصاد روستائی با اقتصاد صنعتی گرائیده و ترکیب طبقات اجتماعی دگرگون شده و اصول و مبانی کهنه تغییر پیدا کرده و بدنبال این تحولات سریع دشواریها و کج رفتاریها بوقوع پیوسته است. مثلاً در سال ۱۳۳۸ حدود ۳۰ درصد کل پروندههای جنائی و ۲۸ درصد پروندههای جنحه در سراسر کشور مربوط به استان تهران بوده است و در این شهر جرمهای خاص شهری مانند جرم جوانان، فحشا، کلاهبرداری و چک بی محل بسرعت افزایش یافته است و از ۱۷ خودکشی که در سال ۱۳۴۰ روی داده ۱۱۹ مورد آن در تهران اتفاق افتاده است.

در باره میزان کالری غذائی متوسط اکثریت مردم گفته شد که کالری غذائی متوسط اکثریت مردم در تهران هنوز خیلی پائین است و کمبود مواد پروتئینی آشکار است. طبقات کم درآمد ۵۰ درصد و طبقات پردرآمد فقط ۲۶ درصد بودجه خود را صرف خوراک می کنند و با اینهمه طبقات کم درآمد گرفتار کمبود غذائی هستند. یکی از ناطقین گزارش جالبی در باره محلات فقیرنشین جنوب شهر عرضه کرد و مشکل بی آبی و بدی وضع بهداشت را با نوع وضع مسکونی آن منطقه (خانهها - گودالها - کاروانسراها) یاد آور شد.

یکی از خانمها اقداماتی را که بوسیله انجمنی از نیکوکاران بمنظور احیاء یک منطقه محروم شهر تهران آغاز شده است تشریح کردند. کارشناس امراض روحی در باره شناخت بیماریهای شهری صحبت کرد و گفت تأمین هوای آزاد برای مردم شهر از ضروریترین اقدامات است زیرا هوای ناسالم موجب بیماریهای گوناگون عصبی و روحی میگردد.

در باره وضع اجتماعی جوانان و شاگردان مدارس و تشخیص سرگرمیهای سالم از سرگرمیهای ناسالم بحث شد.

روز پنجم: در مورد چهارمسأله اساسی شهرداریها و تعیین یک سیاست اصولی فنی و وسایلی که برای اجرای این سیاست لازم است مطالب جالبی عنوان شد، بالاخره راجع بتشکیلات اداری شهرداری - تعریف مسؤلیتها و حقوق و وظایف مردم و وسایلی موجود برای واری اقدامات دستگاه اداری - تأثیر تشکیلات کنونی شهرداری -

در شهر تهران گفتگو بعمل آمد و نیز صورت تشکیل انجمن های شهر بیان شد . درباره قانون شهرداری ها و پیش بینی های مربوط بانجمن شهر و خصوصیات مربوط بان و علل عدم موفقیت هایی که تا کنون پیش آمده مذاکره شد ، از رابطه بین شهرداری های محل و مردم و روش وصول عوارض بحث شد و توجه باین نکته لازم تشخیص داده شد که همکاری مردم و شهرداری ها از وسایل اولیه پیشرفت امور شهر است . نتیجه مذاکرات : یکی از مشکلات مشکل قانون است ، قانون شهرداری متناسب با احتیاجات و با توجه باصول علمی تدوین نشده است .

شهرداری تهران از لحاظ سازمان سازمانی و نامتناسب با احتیاجات امروزی دارد . از لحاظ شرکت مردم و تماس آنها با شهرداری تهران برای اخذ تصمیماتی نسبت بسر نوشت آنها معمولاً صفر است - تعداد تحصیل کرده در شهرداری محدود است بنابراین باچنان کادری نمی شود کارهای تخصصی را انجام داد .

راجع بانتهای انجمن شهر پیشنهاد شد فقط برای باسواها حق رأی داده شود .
روز ششم: در آخرین جلسه سمینار موضوع عمران شهر تهران و عمران شهرستانها و ارتباط لازم میان آنها مطرح گردید و درباره اختلاف رشد و توسعه مناطق کشور و راه ترمیم آن بحث شد . تهران قطب اصلی تمرکز توسعه فعالیت اقتصادی و فرهنگی و اداری است ، شهری است که تقریباً قسمت اعظم اقتصاد مملکت ما را تحت کنترل قرار داده است . شهر تهران یک مرکز مهم مهاجر پذیر شده که اکثر مهاجرین شهرستانها را بخودش جلب و جذب میکند . افزایش تولیدات صنعتی در تهران با سرعت زیادی انجام میشود . بیش از ثلث سرمایه گذاری کشور در تهران انجام شده . شهری است که از حیث هزینه زندگی از شهرهای ایران گرانتر است . امروزه در حدود ۶ درصد کودکان ، ۵ درصد دبستانها ، ۵ درصد دبیرستانها ، ۵ درصد از مدارس حرفه ای و ۲ درصد از دانشسراهای مقدماتی در تهران متمرکز شده اند . قسمت اعظم با سوادان کشور در در گروه های مختلف در تهران هستند بیش از ۲ درصد بودجه کل فرهنگ در تهران مصرف میشود ، میزان عمده ای از بودجه اداری ما در قسمت پرسنلی در تهران صرف میشود .

بطور خلاصه میتوان گفت تهران از هر حیث قطب تمرکز شده است ، مؤید این نظر است که اغلب سازمان های دولتی ، و درصد و یا نسبت بیشتری از بودجه خود را به تهران اختصاص داده اند . اما چگونه میشود این قطب را از این اهمیتی که شاید موجب گردد که توسعه در سایر نقاط کشور بوجه صحیحی انجام نشود بازداشت .

راه پیشنهادی این است که باید بعمران منطقه ای پرداخت ، باید توجه کرد که عمران منطقه ای صرفاً انجام یک سلسله طرحها در یک کار عمومی نیست بلکه عمران منطقه ای عبارتست از شناخت قسمتهای مشابه کشور و سپس سعی در شناختن امتیازات

اقتصادی آن مناطق و طرح برنامه‌ای برای توسعه این امتیازات بنحوی که اقتصاد کشور بتواند حداکثر استفاده را از این امتیازات طبیعی حاصل کند.

مسئله دیگری که بحث شد در باره تمرکز است. اساساً دو نوع تمرکز وجود دارد، یکی تمرکز طبیعی و دیگری تمرکزی که ناشی از سوء اداره است، تمرکز طبیعی که جنبه‌های اقتصادی موجه دارد صحیح است و باید تقویت شود و نمیتوان صریحاً گفت که این تمرکز غلط است زیرا اشکال اساسی تمرکزهایی است که ناشی از سوء اداره از طرف مردم و یا دستگاههای دولتی میشود و باید کوشش کرد که رفع این مشکلات بشود و با وجود آوردن قطب‌ها در نقاط مختلف کشور از این تمرکز غلط جلوگیری شود.

از لحاظ اینکه ما یک اقتصاد سالم داشته باشیم و برای اینکه تهران و سایر شهرستانها بتوانند با هم و در کنار هم بترتیب صحیحی بزندگی اقتصادی و اجتماعی خودشان ادامه بدهند باید سعی کرد که اختیارات بیشتری در اداره امور شهرستانها داده شود و مردم سعی کنند در اداره شهر اختیاراتی داشته باشند.

باید از تمرکز شدید اداری در تهران جلوگیری گردد و ترتیبی داده شود که حتی المقدور تماس مردم با مأمورین و دستگاههای دولتی کمتر شود و افراد سعی کنند در یک کادر عمومی در قسمتهای مختلف مملکت اقدامات اساسی برای توسعه مملکت و بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی خودشان بعمل آورند. در مورد توزیع کثونی مؤسسات صنعتی و بازرگانی، جمعیت فعال در رشته‌های تولید و مبادله سرمایه گذاری صنعتی در سالهای اخیر بحث مفصلی بمیان آمد و گفته شد که تمرکز فعالیتهای صنعتی در تهران موجب مهاجرت عده‌ای از روستائین هاشده است و کوشش برای تنظیم مقررات بمنظور جلوگیری از تمرکز بسیار مفید و بجای خواهد بود.

دفاع از رساله دکتری

جلسه دفاع از رساله دکتری آقای **سموئیل ویکتور بهاجان** دانشجوی هندی دوره دکتری دانشکده ادبیات روز یکشنبه ۱۳۴۱/۴/۳ با حضور استادان محترم آقایان سعید نفیسی، دکتر گوهرین و دکتر مینوچهر تشکیل گردید و رساله آقای بهاجان که تحت عنوان « صوفیان چشمتیه در هند » تدوین گردید بود بتصویب رسید و ایشان دکتر از دانشکده ادبیات تهران شناخته شدند.

جلسه دفاع از رساله دکتری آقای **عفیف عسیران** دانشجوی لبنانی دانشکده ادبیات در ساعت ۱ صبح یکشنبه ۱۳۴۱/۴/۳ با حضور آقای دکتر معین (استاد راهنما)

و آقایان دکتر مینوچهر، دکتر صفا، و سعید نفیسی تشکیل شد و رساله آقای عسیران که تحت عنوان « مقدمه ای بر تمهیدات عین القضاة همدانی » تدوین شده بود بتصویب رسید و ایشان دکتر دانشکده ادبیات شناخته شدند .

رساله دکتر آقای **لطف الله هنر فر** دانشجوی دوره دکتری تاریخ در ساعت ۹ صبح دوشنبه ۱۳۴۱/۴/۴ با حضور استادان محترم آقای سعید نفیسی (استاد راهنما) و آقایان دکتر بیانی، دکتر بینا، دکتر بهمنش و دکتر هدایتی تشکیل شد و پایان نامه آقای هنر فر با درجه « بسیار خوب » بتصویب رسید.

وقف کتابخانه شخصی

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم دانشکده ادبیات تهران کتابخانه نفیس خود را از روی کمال جوانمردی و فتوت وقف ابدی دائمی دانشگاه تهران کرده و نامه ذیل را در این زمینه خطاب بر ریاست محترم دانشگاه نوشته اند:

ریاست محترم دانشگاه تهران

غرض از عرض این عرض آنکه این بنده را خداوند متعال توفیقی عنایت فرموده که طول مدت ۲۸ سال اخیر مقداری کتب پر ارزش و کمیاب و نسخ خطی نادر و نفیس در رشته های ادبیات و تاریخ و جغرافیا و علوم اسلامی و تفاسیر قرآنی و تاریخ ادیان و کتب لغت و هند شناسی و فرهنگ های السنه مختلفه و مجموعه های کامل از مطبوعات و مجلات فارسی و عربی و غیره و همچنین دیگر موضوعات بالسنه فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی و غیره جمع آوری نمودم که تعداد آنها بموجب دفاتر موجود تقریباً از قرار ذیل است :

کتب چاپی فارسی و عربی	۳۳۷۳ جلد
کتب خطی فارسی و عربی	۳۴۵ جلد
کتب فرانسه و انگلیسی (لاتین)	۱۴۸۱ جلد
کتب بدون شماره از هر نوع	در حدود ۳۵۰ جلد

جمع ۵۵۴۹ مجلد

اینک با کمال مباهات و افتخار و از روی نهایت رضا و رغبت تمام کتب و نسخ مذکور را وقف ابدی دانشگاه تهران می نماید که از این بنده حقیق در آن دستگاه دانش - پایگاه یادگاری ناقابل و ناچیز بهمانند و طالبان معرفت و دانش و سالکان طریق حکمت و

خرد ان شاء الله از آن بهره‌ور گردند و من بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی التین
یبدلونه .

جز صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یاد گاری که در این گنبد دوار بماند
در این کار خیر چند شرط است که انشاء الله از طرف جناب عالی که فعلاً طرف این
وقفنامه هستند و متصدیان ارجمند دانشگاه در آینده البته مورد رعایت خواهد شد .
اول آنکه متولی این کتب موقوفه همیشه رئیس دانشگاه خواهد بود و ناظر

استصوابی همیشه رئیس وقت دانشکده ادبیات تهران می باشد .
دوم آنکه محل کتب مذکور باید اطاقی مجزا در دانشکده ادبیات باشد زیرا
شغل و حرفت این حقیر همیشه خدمت بادب است، امید که همقطاران محترم و دانشجویان
عزیز آن دانشکده در حال و آتی از این یادگار بهره‌مند شوند شاید صاحب دلی روزی برحمت
جامع این مجموعه را بدعای خیر یاد کند .

سوم آنکه بهیچ بهانه و بهیچ عنوان هیچیک از آن کتب از زیر سقف دانشکده ادبیات
بخارج نرود و اگر طالبان معرفت و جویندگان دانش را به صفحه‌ای از آن احتیاج افتد
در محل کتابخانه مطالعه فرمایند .

چهارم آنکه فقط برای این بنده مادام العمر این حق محفوظ باشد که از آن کتب
برای مطالعات خود در برابر قبض بامانت گرفته و بعد از رفع حاجت مسترد دارم . از این
تاریخ تا آخر عمر هم هر قدر کتاب بدست آمد البته برای این مجموعه خواهد افزود که صدقه
جاریه باشد .

پنجم آنکه در محل مجزای این مجموعه علامت و نشانی نصب نشود که اشاره
بواقف نماید و همچنین در دفتر (کاتالوگ) کتابخانه آن دانشکده این مجموعه بطور
مستقل و جداگانه فهرست شود و در اول و آخر و وسط هر کتاب، نسخ بمهر دستی واقف
(اینجانب) مهور شود .

ششم آنکه بعضی از آن نسخ خاصه کتب خطی اگر محتاج به مرمت و صحافی و وصالی
باشد اداره کتابخانه بدقت تمام انجام دهد و هزینه آن هر چه باشد این بنده با کمال افتخار
تأدیه خواهم نمود .

هفتم آنکه اولاد و اعقاب این بنده نسلاً بعد نسل ذکوراً و اناً حق نظارت بر این
موقوفه را دارند و در هر موقع اگر تخلفی مشاهده کنند باید تذکرات لازمه را با اولیاء
دانشگاه بدهند و نظریات آنان محترم شمرده شود .

در خاتمه مزید توفیق جناب عالی و دیگر خدمتگزاران بعالم علم و فرهنگ را از
خداوند متعال مسألت دارد . والحمد لله رب العالمین - تهران، دیماه ۱۳۴۰

اینک پاسخ ریاست محترم دانشگاه و نامه ریاست محترم دانشکده ادبیات از نظر خوانندگان می گذرد:

پاسخ ریاست دانشگاه

جناب آقای علی اصغر حکمت استاد محترم دانشگاه - مرقومه مورخ دیماه ۱۳۴ در خصوص اهدای کتابخانه شخصی جنابعالی بدانشگاه عز وصول بخشید. مراتب در جلسه مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۴ باستحضار شورای دانشگاه رسید. شورای دانشگاه ضمن ابراز سپاسگزاری و قدردانی فراوان این فتوت و دانش دوستی جنابعالی تصویب نمود که همه مواد وقفنامه دقیقاً اجراء شود. متن وقفنامه بدانشکده ادبیات ارسال شد تا در اجرای آن نظارت کامل نمایند و جنابعالی را نیز از جریان امر مستحضرسازند. اینجانب بار دیگر از طرف خود و شورای دانشگاه از دریافت چنین هدیه گرانبهائی که جز نشانه علم و ادب دوستی و فرهنگ پروری سرکار نتواند بود صمیمانه سپاسگزاری می نماید و موفقیت آن جناب را در انجام دادن این گونه خدمات فرهنگی پرارزش از خداوند متعال خواستار است.

رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

نامه ریاست دانشکده ادبیات

استاد محترم جناب آقای علی اصغر حکمت - رونوشت مرقومه جنابعالی خطاب بر ریاست دانشگاه توسط ایشان بدانشکده ادبیات فرستاده شد. قرائت این مرقومه در شورای دانشکده و اطلاع از اینکه جنابعالی کتابخانه خود را با کمال بزرگواری بدانشگاه تهران اهداء و محل نگاهداری آن را دانشکده ادبیات تعیین فرموده اید موجب مسرتی زائد الوصف گردید. البته با سابقه دیرین و علاقه مخصوصی که آن استاد ارجمند با دانشگاه تهران دارند جز این انتظار نمی رفت. اینک لازم می داند مراتب استنان و تشکر خود و عموم همکاران دانشکده را از این عمل نیک سخاوت آمیز سپاسگزاری که از طرف مقام ریاست دانشگاه بعمل آمده است بیفراید و توفیق آن استاد بزرگوار را در ادامه خدمت بفرهنگ صمیمانه مسألت نماید. کتابهای اهدائی تحویل کتابخانه دانشکده گردیده است. رونوشت گزارش متصدی مربوط برای ملاحظه جنابعالی بضمیمه ایفاد میشود. البته دانشکده ادبیات نهایت مراقبت را خواهد داشت که شرایط مذکور در وقفنامه کاملاً رعایت شود.

رئیس دانشکده ادبیات - دکتر علی اکبر سیاسی